



درس تفسیر سوره مبارکه ملک - جلسه ۱۰

حضرت آیت الله العظمی جوادى آملی دامت برکاته

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ﴾ (۱۵) أَمْ أَنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ (۱۶) أَمْ أَنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ (۱۷) وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۱۸) أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ (۱۹) أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصَرُّكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنَّ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي غُرُورٍ (۲۰) أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُّوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ (۲۱) أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَى أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۲۲) ﴿

سوره مبارکه «ملک» همان طور که ملاحظه فرمودید در مکه نازل شد، مطالب اساسی آن درباره توحید است و این توحید را با تمثیل، با نقل قصص بعضی از امم گذشته تأیید می‌کند؛ یعنی هم برهان عقلی اقامه می‌کند هم شاهد حسّی. فرمود مهم‌ترین نیاز مردم اقتصاد مردم است و خدای سبحان همه وسایل اقتصادی را فراهم کرده، از بالا و پایین، از آسمان و زمین. منتها به انسان فرمودند شما تلاش و کوشش کنید از نیروی علمی که خدا به شما داد از نیروی عملی که خدا به شما داد بهره بگیرید و مطمئن باشید خدا رازق شماست، یک؛ مطمئن باشید از غیر خدا

کاری ساخته نیست، این دو؛ مطمئن باشید که انبیا و اولیا مثل فرشتگان و مدبرات الهی، مأموران الهی‌اند. ارتباط با اینها را قطع نکنید، سه. آن وقت به مثل خودتان هم مراجعه نکنید، چهار.

فرمود: ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا﴾، درباره فضا و هوا که آیات دیگری بود، فرمود: ﴿وَأَلَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾^۱ اگر ملتی بیراهه نرود راه کسی را نبندد ما باران را مرتب به اندازه کافی نازل می‌کنیم. زمین را هم که نرم قرار دادیم برای شما و این زیر پای شماست. شما که زیر پایتان زمین است، پس آن نرم است در اختیار شماست، بخواهید ساختمان بسازید ممکن است، درختکاری بکنید ممکن است، کشاورزی بکنید ممکن است. ﴿فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن﴾ رزق خدا و به طرف خدا نشور دارید و حرکت دارید.

قرآن کریم فرمود هر ملتی که این خصوصیت را داشته باشد، از فیض الهی بهره می‌برد. درباره اهل کتاب فرمود اینها دو گروه‌اند: یک عده جزء ائمه کفر هستند که اینها نه تعهدات را قبول دارند، نه امضا را قبول دارند، نه کنوانسیون را قبول دارند. فرمود: ﴿فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ﴾^۲ نه «لا ایمان لهم». فرمود نه تنها ایمان ندارند، ایمان، سوگند، میثاق، پیمان و امضا را به رسمیت نمی‌شناسند. اگر جمعیتی امضای خود را به رسمیت نشناسد، چگونه می‌شود با او زندگی کرد؟ سخن از مبارزه با ائمه کفر در این نیست که اینها کافرنند، آن شواهد دیگر و ادله دیگر دارد؛ اما مبارزه با ائمه کفر این است که اینها زیر بار امضایشان نمی‌روند. فرمود: ﴿فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ﴾، نه «لا ایمان لهم».

۱. سوره جن، آیه ۱۶.

۲. سوره توبه، آیه ۱۲.

﴿لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً﴾^۳ نه تعهد، نه امضا، نه میثاق، نه مواثیق بین الملل، نه کنوانسیون، هیچ چیزی را

به رسمیت نمی شناسند. با این گروه که نمی شود زندگی کرد، این برای اینها. در قبال اینها سایر اهل کتاب را قرآن به

نیکی و به عظمت می ستاید؛ می فرماید: ﴿مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ﴾^۴، در همین اهل کتاب فرمود

کسانی اند که منتظر نزول قرآن کریم اند. وقتی آیات الهی شنیدند فهمیدند پیامبر خاتم آمد: ﴿تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ

الدَّمْعِ﴾^۵ تمام چشمشان را اشک شوق می گیرد که ما منتظر یک چنین وحی ای بودیم. الآن هم در غرب چنین

گروهی هستند که اینها منتظر شنیدن صدای اسلام اند. معانی قرآن، مطالب قرآن. پس یک عده در قرآن کریم به

صورت ﴿كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ﴾^۶ مذمت شدند که علامه طباطبایی سیدناالاستاد و سایر بزرگان این گروه را

فرمودند که همان حیوانات درنده اند^۷ و قرآن هم درباره اینها فرمود: ﴿كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ﴾، از یک سو؛ ﴿فَقَاتِلُوا

أُمَّةَ الْكُفْرِ﴾^۸، برای اینکه اینها هیچ امضایی را به رسمیت نمی شناسند. اگر کسی امضای خود را به رسمیت نشناخت

چگونه می شود با او زندگی کرد؟ در قبال یک عده از اهل کتاب هستند که منتظر آیات الهی اند، فرمود اینها وقتی

آیات الهی را می شنوند تمام چشمشان را اشک می گیرد. فرمود اینها گریه می کنند، گریه شوق می کنند، فرمود

«تری دموعهم تفيض»! فرمود: ﴿تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ﴾^۹ تمام شبکه چشم را اشک می گیرد، آن وقت می ریزد، مثل

اینکه چشم دارد می ریزد. این شدت مبالغه در اشک است. وگرنه می فرمود: «تری دموعهم تفيض على العبرات».

۳. سوره توبه، آیه ۱۰.

۴. سوره آل عمران، آیه ۱۱۳.

۵. سوره مائده؛ آیه ۸۳؛ سوره توبه، آیه ۹۲.

۶. سوره بقره، آیه ۶۵؛ سوره اعراف، آیه ۱۶۶.

۷. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۲۹۶ و ۲۹۷.

۸. سوره توبه، آیه ۱۲.

۹. سوره مائده، آیه ۸۳.

فرمود: ﴿تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ﴾، این تعبیر در دو جای قرآن هست که آن جای اوّل را ما ندیدیم درباره اهل کتاب و اما جای دوم را ما در همین جریان دفاع مقدس دیدیم.

درباره دوم دارد که کسانی را اسلام تربیت کرد جوان‌هایی را اسلام تربیت کرد وقتی سخن از جنگ شد می‌آمدند در محکمه اسلام در حضور پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام) می‌گفتند ما را تجهیز کنید، چهار تا شمشیر به ما بدهید ما هم برویم! اینها وقتی دیدند که شمشیری در کار نیست قدرتی در کار نیست، راه اعزام نیست، ﴿أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ﴾^{۱۰} تمام چشمشان را اشک می‌گرفت که چرا ما را اعزام نمی‌کنید؟ اینها را ما دیدیم در همین دفاع مقدس. اینکه شناسنامه‌ها را بالا می‌بردند تا مثلاً بروند، با گریه و ناله می‌گفتند (رضوان الله علیهم اجمعین)! اینها را که ما دیدیم؛ اما آنها را قرآن کریم نقل می‌کند هر دو را قرآن نقل می‌کند؛ یک عده از جوان‌ها در صدر اسلام وقتی که شمشیر نبود، نیزه نبود، وسایل نظامی نبود، ﴿أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ﴾ که گونه‌اش را ما در این دفاع مقدس دیدیم.

اما آن گروه مؤمنان که ﴿مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ﴾، اینها کسانی بودند که وقتی آیات الهی را می‌شنیدند و آن پیش‌بینی و بشارت مسیح (سلام الله علیه) را عملی می‌دیدند، ﴿تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ﴾. پس اگر ذات اقدس الهی به احترام اینها در محیط مسیحی‌نشین و یهودی‌نشین، غربی‌ها نعمت‌های فراوانی نازل می‌کند براساس همین سوابق حسن است. اما آنکه سیدناالاستاد و دیگران فرمودند وحشی‌اند، «نعم ما قالوا»، برای اینکه جنگ جهانی اوّل را اینها راه انداختند، جنگ جهانی دوم را اینها راه انداختند. الآن هم جنگ نیابتی است، اینها هستند اینها الآن هم کارخانه‌های تولید سلاح کشتار جمعی سه شیفته دارند کار می‌کند، الآن هم همین‌ها هستند.

بنابراین آنکه سیدناالاستاد فرمود وحشی‌اند، «نعم ما قال». اینکه گفته شد اینها روبراه هستند براساس یک گروه دیگر هستند. اما ذات اقدس الهی می‌فرماید هر کسی که وضع مالی‌اش خوب است مقرب «عند الله» نیست، یک؛ و نعمت هم نیست، دو؛ برای اینکه ما می‌خواهیم اینها را در همین نعمت غرق کنیم. در بخش‌هایی فرمود اینها خیال نکنند که ما اینها را نعمت می‌دهیم می‌خواهیم اینها را مقداری سرگرم کنیم تا در مجبوحه نعمت، اینها را بگیریم. در سوره مبارکه «قصص» در جریان قارون فرمود وقتی قارون از منزلش بیرون می‌رفت، ﴿فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ﴾^۱، برای اینکه او حظّ عظیم دارد. می‌فرماید نه، این چنین نیست، ما او را سرگرم کردیم تا در این نعمت او، او را همان جا خفه کنیم، ﴿فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُوهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾^۲. در سوره مبارکه «اعراف» هم مشابه این تعبیر را دارد. در سوره «اعراف» «اعراف» فرمود ما اینها را اول فشار آوردیم بلکه - إن شاء الله - اینها به راه بیایند. بعد دیدیم اینها به راه نمی‌آیند، اینها را نعمت فراوان دادیم، تا در وسط نعمت فراوان اینها را خفه کنیم. آیه سوره مبارکه «اعراف» این است: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ * ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّى عَفَوْا﴾؛ پُر شدند از نعمت. در همین پُر بودن و گفتند که حالا یک وقت گرانی بود، یک وقت خستگی بود، یک وقت کمیابی بود الآن که راحت هستیم: ﴿وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ﴾، حالا اگر ما چند روزی فشار دیدیم گذشتگان هم چند روز فشار دیدند دیگر آن روزگار گذشت دیگر رفاه آمد. ﴿فَأَخَذْنَاهُمْ بَعْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾^۳.

۱. سوره قصص، آیه ۷۹.

۲. سوره قصص، آیه ۸۱.

۳. سوره اعراف، آیات ۹۴ و ۹۵.

پس این چنین نیست که اگر کسی متنعم بود؛ یعنی مورد عنایت الهی است. اما این دهه شصت از بهترین معجزات قرآن و عترت است. ما دهه شصت، ده سال در شعب ایطالب بودیم. این جنگ ده ساله بود؛ البته نه هشت ساله. دو سال که فقط خورد بود نه زد و خورد. هشت سال زد و خورد بود. آن دو سال اوّل که هنوز ۵۷ تمام نشده بود که خلق ترکمن گلوله بستند در شمال، سنگر گرفتند و جنگ رسمی شروع شد. ۵۷ یعنی ۵۷ هنوز تمام نشده بود. آنجا عزیزان رفتند و به هر حال این آتش را خاموش کردند. هنوز جنگ خلق ترکمن در شمال پایان نپذیرفت که کردستان آشوب شد، بعد خلق مسلمان شروع شد، بعد خلق عرب شروع شد، بعد ترور هفتاد نفر شروع شد، بعد ترور نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور شروع شد، بعد ترور رئیس دادگاه انقلاب شروع شد، ما دو سال فقط می‌خوردیم، زد و خورد نبود. کجا ما جنگ داشتیم؟! یک جنگ یکطرفه بود. هشت سال جنگ بود؛ یعنی زد و خورد بود. ما این ده سال در شعب ایطالب بودیم. این معجزه قرآن است و حفظ کرد. جنگ جهانی سوم بود، جنگ جهانی معنایش این است که همه جهان بجنگند. یا باهم می‌جنگند، یا همه جمع می‌شوند با یک بیچاره می‌جنگند. بر ما جنگ جهانی سوم بود. کدام کشور بود در روی کره زمین که علیه ما قیام نکرده بود؟ سه تا کشور کوچک بود که چشمشان یا به جیب ما بود، یا به کیف ما، این سوریه بود و الجزایر بود و لیبی، از اینها چه ساخته بود؟ کدام کشور بود حتی شوروی، تمام همسایه‌ها ما علیه ما قیام کردند. به ما اسلحه نمی‌فروختند، قرض نمی‌دادند، چیزی نمی‌خریدند چیزی نمی‌فروختند. ما ده سال در شعب ایطالب بودیم، این نعمت نیست؟! این معجزه نیست؟! این جنگ جهانی نیست؟! ما می‌خواستیم یک عدد موشک را قاچاقی بخریم به ما نمی‌فروختند. آن موشک قاچاقی که حساب و کتاب و استاندارد ندارد، تازه بر فرض هم یک عدد پیدا می‌کردند دو سه کیلومتر آن طرف بغداد را می‌زد. ما این گونه جنگ داشتیم، این معنی معجزه است. این معنای حفظ قرآن است.

بنابراین این چنین نمی‌شود گفت که ما آن دهه شصت دهه اسلام بود، ولی روزی فراوان نداشتیم. روزی ما آن روز فتح بود، پیروزی بود، شکوه بود و از طرفی هم اگر درست بررسی بکنید می‌بینید چه معجزه‌ای قرآن در همان ده سال به ما داد. حالا چون بعضی از آقایان سؤال کردند ما داریم عرض می‌کنیم، روی بشکه‌ای ۲۴ دلار بودجه را بستند و مجلس هم تصویب کرد. گفتند این ۲۴ دلار سه هشت دلار است. هشت دلار صرف جنگ، هشت دلار هم صرف بودجه جاری، هشت دلار هم صرف عمران و آبادی. سه تا هشت دلار ۲۴ دلار. دولت هم انتقال داد، مجلس هم تصویب کرد. آنها تمام توطئه‌هایشان را کردند، ذخایر نفتی‌شان را بیرون آوردند، ارزان کردند ارزان کردند ارزان کردند تا نفت شده بشکه‌ای هشت دلار! ما با ۲۴ دلار بودجه را بستیم، نفت شده هشت دلار، با هشت دلار هم جنگ تأمین شد، هم بودجه جاری مملکت، این معجزه نیست؟! معجزه حتماً عصایی باید بیاید و اژدها بشود؟! خیلی از شماها به لطف کارشناس این مسائل هستید، شما بررسی کنید ببینید که اینها این کار را کردند کشور در آن مدت با کدام بودجه اداره شد؟ ما بودجه‌مان بر ۲۴ دلار بسته شده بود. اینها تمام ذخایر نفتی‌شان را بیرون آوردند آن هم این عزیزانی که گاهی می‌آمدند گزارش می‌دادند می‌گفتند ما داریم حمّالی می‌کنیم برای دیگران که نفت بفروشیم، برای اینکه خلیج فارس ناامن بود. کشتی را که بیمه نمی‌کردند، چه کسی می‌آمد از ما نفت بخرد؟ ما ناچار بودیم کلّ بیمه اینها را بدهیم، کشتی‌های خودمان را پربار کنیم تحویل اینها بدهیم تا همین هشت دلار هم گیرمان بیاید. ما ده سال در شعب ایطالب بودیم. این است که آدم وارد حرم می‌شود در و دیوار را می‌بوسد. کدام معجزه از این قوی‌تر است؟! کدام معجزه از این غنی‌تر است؟! الآن به لطف الهی همه اوضاع باز شد.

غرض این است که الآن ما در کنار سفره قرآن و عترت هستیم، حالا شما بررسی کنید. بعضی‌ها به این فکر بودند که کجا گنج است کجا گنج نیست آنهایی که در این زمین‌ها کار می‌کردند. اینها نبود! فرمود خدا شما را اداره کرد.

آن روزی که هیچ کسی به یاد شما نبود، فرمود ما به یاد شما بودیم. این خداست! فرمود بالا را نگاه کنید پایین را نگاه کنید هر کاری بکنید کار به دست یک نفر است: ﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ﴾^۱ مفاتیح غیب به دست اوست.

بنابراین اینکه بعضی از این آقایان سؤال کردند غربی‌ها این چنین هستند، بله غربی‌ها این چنین هستند؛ اما الآن شما دفعته می‌بینید چند صد نفر یک جا می‌سوزند، چند صد خانه خراب می‌شود اینها را به حساب نمی‌آوریم، اینها عذاب الهی است.

بنابراین فرمود این طور نیست که اگر وضع مالی‌اش خوب بود مورد عنایت الهی باشد. ما می‌رویم در وسط همان نعمت اینها را می‌خواهیم بگیریم. به ما هم هشدار داد فرمود این نعمت‌هایتان را حفظ کنید و خدا عذاب‌های او همه‌اش سیل و زلزله و صاعقه و شهاب‌سنگ و اینها نیست. عذاب اختلاف هم هست. در سوره مبارکه «انعام» ملاحظه بفرمایید که عذاب‌ها را که ذات اقدس الهی می‌شمارد؛ آیه ۶۱ سوره مبارکه «انعام» این است که تهدید می‌کند، فرمود اگر - خدای ناکرده - در برابر نعمت الهی، نظام الهی، قول خدا و پیغمبر بیراهه رفتید بدانید: ﴿هُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ﴾، به چند نحوی تواند یک ملت را بگیرد؛ ﴿وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً﴾، فرشتگان فراوانی را حافظ شما قرار می‌دهد. ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدُكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا﴾. بعد فرمود اگر - خدای ناکرده - بیراهه رفتید آیه ۶۵: ﴿قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ﴾، این شهاب‌سنگ‌ها این صاعقه‌ها اینها بیاید، یک؛ ﴿أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ﴾، زمین‌لرزه روی گسل‌های خاص زمین، این دو. بدتر از زمین‌لرزه و بدتر از شهاب‌سنگ، این عذاب سوم است: ﴿أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضُكُم بَأْسَ بَعْضٍ﴾؛ اختلاف داخلی می‌اندازم که به جان هم بیفتید.

ببینید اختلاف دو قسم است: یک اختلاف در اثر مال است، یک اختلاف در اثر عقیده‌های شخصی است اینها با نشست و با کنگره و با این همایش‌ها و با نصیحت‌ها و با کتاب نوشتن‌ها حل می‌شود، اینها حل می‌شود، برای اینکه این اختلاف، اختلاف نظر است وقتی جمع‌بندی شد راه‌حلی پیدا می‌شود. یک اختلاف مثل غده بدخیم سرطان است که خدا فرمود من اینها را به جان هم انداختم، آن را با چه می‌خواهیم حل کنیم؟ آن را با کنگره و نشست و هفته وحدت و اینها حل می‌شود؟! آن فقط با ناله و اشک حل می‌شود. آنکه با هفته وحدت حل نمی‌شود. اگر - خدای ناکرده - اختلاف عذابی بود که او در بین ما انداخت، این فقط با ناله و توبه حل می‌شود. درباره یهودی‌ها و مسیحی‌ها در سوره مبارکه «مائده» فرمود من همه اینها را به جان هم انداختم. این عذابی است هم درباره یهودی‌ها هم درباره مسیحی‌ها؛ منتها درباره مسیحی‌ها کمی نرم، درباره یهودی‌ها کمی تُند. درباره مسیحی‌ها دارد که ﴿فَاَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾^۲ درباره یهودی‌ها که بدخیم‌اند فرمود: ﴿وَالَّذِينَ بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾^۳ ما را هم در این بخش سوم تهدید کرد که گاهی زلزله گاهی شهاب‌سنگ گاهی هم اختلاف: ﴿أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضُكُم بَأْسَ بَعْضٍ﴾. اینکه با هفته وحدت حل نمی‌شود. آن اختلاف علمی، آن اختلاف نظر، آن اختلاف ممشا، آن اختلافات فکری، اینها با گفتگو و قدر مشترک گرفتن حل می‌شود؛ اما - خدای ناکرده - اگر بیراهه رفتیم عالماً عامداً در برابر قرآن و عترت ایستادیم، این خطر سوم است، فرمود من اینها را به جان هم می‌اندازم. این عذاب‌ها هم از سبک به سنگین شروع شده است. سبک‌هایش این است که فرمود: ﴿قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ﴾، حالا شهاب‌سنگ آمده مگر چقدر از بین می‌برد؟! ﴿أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ﴾، زلزله آمده، چقدر از بین می‌برد؟! اما اختلاف ملّتی را به جان هم می‌اندازد:

۲. سوره مائده، آیه ۱۴.

۳. سوره مائده، آیه ۶۴.

﴿أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضُكُم بَأْسَ بَعْضٍ انْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ﴾. پس فرمود ما یهودی‌ها را به جان هم انداختیم، مسیحی‌ها را به جان هم انداختیم، گفتیم گفتیم گفتیم همه آیات را آوردیم اثر نکرد، اینها را به جان هم انداختیم. اینجا هم فرمود اگر بیراهه رفتید یا راه کسی را بستید، شما را به جان هم می‌اندازیم: ﴿أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضُكُم بَأْسَ بَعْضٍ﴾. این می‌شود اختلاف، می‌شود عذاب داخلی.

«فتحصل» که غرب را به دو قسم باید تقسیم کرد، اهل کتاب را به دو قسم باید تقسیم کرد، مسیحی‌ها و یهودی‌ها را به دو قسم باید تقسیم کرد و باید ما آن دهه شصت را دهه محصور شدن در شعب ایران بدانیم مثل شعب ایطال و در کنار معجزه قرآن و عترت پیروز شدیم و هیچ عاملی به داد ما نرسید مگر خدا! آن روز دیدید. همین شوروی فعلی آن روز مرتب به دیگران یا هواپیما می‌داد یا آواکس می‌داد یا مشکلات دیگر ایجاد می‌کرد که همین عزیزان جمع شده بودند جلوی سفارت روسیه که شما ستمکارید، آنها هم گفتند اگر شما نمی‌توانید سفارت ما را حفظ بکنید ما خودمان بیاییم حفظ بکنیم، همین! چه کسی به داد ما می‌رسید در آن هشت سال؟! ما تنهای تنها بودیم. این نمی‌گویم قوی‌تر از شعب ایطال بود، ولی اگر قوی‌تر بود به برکت همان پیغمبر بود. نه اینکه مثلاً - خدای ناکرده - ما معجزات دیگری داشته باشیم. معجزات همین است، برای قرآن و عترت است. آنها گاهی آن شعب سه ساله را اداره کردند، گاهی ایران هشت ساله و ده ساله را اداره کردند. این معجزه پس چیست؟ کل این جهان احدی نبود به داد ما برسد، حتی قاچاق هم حاضر نبودند به ما چیزی بفروشدند. دست ما بسته بود، ما مرتب کار ما تشیع بود. اینجا تشیع یا آنجا زیر قرآن رد بکنیم، اینجا تشیع، آنجا زیر قرآن رد بکنیم. این معجزه نیست؟! بنابراین ذات اقدس الهی همیشه فرمود حواستان جمع باشد، اگر سیل نیامد، شهاب‌سنگ نیامد، زلزله نیامد، یک عذاب‌های دیگری هم هست؛ اما آدم وقتی که بیراهه نرود راه کسی را نبندد این است و ما به همه احترام می‌کنیم؛

اما طبق دستوری که دیروز از بیان نورانی امام سجاد (سلام الله علیه) خواندیم یک روایت دیگری هم ایشان در صحیفه دارند به همه احترام می‌کنیم؛ اما به احدی محتاج نیستیم. این تربیت دینی ماست که ذات اقدس الهی به وسیله ائمه به ما آموخت.

پرسش: تاریخ اختلاف بین مسلمین را بیشتر مشاهده می‌کند تا بین کفار.

پاسخ: نه، ما چون در بین آنها نیستیم خیال می‌کنیم. ما خودمان اختلاف داریم، چون آنها منشأ اختلاف ندارند. روی هواست، مثلاً حالا امامتی، سقیفه‌ای، غدیری، چیزی باشد؛ اما نه، خود آنها هم پروتستان دارند، ارتدوکس دارند، کاتولیک دارند، آنها هم همین گرفتاری‌ها را دارند.

در بحث قبل دعای سیزدهم را خواندیم که «كَيْفَ يَسْأَلُ مُحْتَاجٌ مُحْتَاجاً»، انسانی از انسان چیزی بخواهد یعنی چه؟! یک تسخیر متقابل باشد آن نعمت خوبی است که در بحث قبل هم گذشت. مشابه این تعبیر در دعای ۲۸ هم هست. در دعای ۲۸ وجود مبارک امام سجاد به خدا عرض می‌کند که «وَرَأَيْتُ أَنَّ طَلَبَ الْمُحْتَاجِ إِلَى الْمُحْتَاجِ سَفَهُ مِنْ رَأْيِهِ وَضَلَّةٌ مِنْ عَقْلِهِ»؛ این بی‌عقلی است که کسی از کسی چیزی بخواهد! یک خدمت متقابلی است او هم از ما می‌خواهد ما هم از او می‌خواهیم. به دیگری انسان وابسته باشد مخصوصاً به بیگانه، این یک سفاهت است یک ضلالت و گمراهی عقلی است که چشم ما به غرب باشد که حالا آنها تحریم کردند. ذیل آیه سوره «قیامت» این حدیث هست که حضرت وقتی کشاورزی می‌کرد چون کشاورزها آنها که کارهای دستی و پا و اینها می‌کنند برای رفع خستگی زیر لب زمزمه‌ای دارند اینها با قرآن و آیات و روایات زمزمه می‌کردند دیگران هم مثلاً ترانه‌ای می‌خوانند. حضرت این آیه را زیر لب زمزمه می‌کرد، آن وقت کشاورزی می‌کرد که خستگی‌اش رفع بشود.^۴ این

۴. الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ج ۲، ص ۴۲۴؛ «... هُوَ فِي حَائِطٍ لَهُ عَلَيْهِ نُبَانٌ يَتَوَكَّأُ عَلَى مِسْحَاتِهِ وَهُوَ يَقُولُ ﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى أَلَمْ يَكُ نَفْثَةً مِنْ مَنِيٍّ يُعْنَى ثُمَّ كَانَ عَاقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى﴾ وَدُمُوعُهُ تَجْرِي عَلَى خَدَّيْهِ...».

دین است می گوید شما خودت کار بکن! الآن بی عقلی مسئولین و ما متمکنان است. شما کلّ این شهر را دور بزنیید می بینید تمام سرمایه ها رفته در سنگ و گل دارد می خوابد، منتظرند که یک وقت گران بشود خانه را بفروشند. هم آنها موظّف هستند راه تولید را تسهیل کنند، هم اینها موظّف هستند پول ندهند جهنم را نخرند. اکتناز همین است. این همه آدم بی عقلی بکند برای چه؟ ما تا چه زمانی می خواهیم زندگی کنیم بیخردانه؟! فرمود این را بگذار در تولید، هم به مسئولین باعرضه بگویند شما تولید را تسهیل کنید، روی پای خودتان بایستید. ملّتی که روی پای خودش بایستد دیگر سفیه نیست، دیگر گمراه نیست.

چون صحیفه سجّادیه کتاب درسی نیست، نهج البلاغه کتاب درسی نیست، این معارف برای ما آشنا نیست. فرمود: «وَرَأَيْتُ أَنَّ طَلَبَ الْمُحْتَاجِ إِلَى الْمُحْتَاجِ سَفَهٌُ مِنْ رَأْيِهِ وَ ضَلَالَةٌ مِنْ عَقْلِهِ». ما چرا سفیهانه زندگی کنیم؟ برای چه سفیهانه زندگی کنیم؟ چرا عاقلانه زندگی نکنیم؟ این خدا که فرمود زمین را من برای شما نرم قرار دادم. به غیر خدا تکیه نکنید. اگر یک وقت می گوئیم توسل، این وجود مبارک امام مأمور الهی است دارد می دهد. شما یک وقت به خود شخص مراجعه می کنید، یک وقت به دفتر او مراجعه می کنید، او که بیگانه نیست. این هر چه دارد از ناحیه ذات اقدس الهی دارد، تمام شد و رفت. این تعبیر و این تطهیر می تواند برای همه ما آموزنده باشد؛ لذا فرمود شما مواظب باشید به دو دلیل: یکی اینکه بروید ببینید ما با دیگرانی که تخلف کردند چه کردیم! یکی برهان اقامه می کنیم. تمام پرنده ها را او دارد نگه می دارد. این جسم سنگین عقاب چند کیلویی را چه کسی روی هوا نگه می دارد؟ شما می گوئید پر می زند، بسیار خوب پر می زند، ولی این بار سنگین را چه کسی نگه می دارد؟ در سوره مبارکه «نحل» فرمود «اللّٰهُ» نگه می دارد. در اینجا می فرماید «الرحمن» نگه می دارد. چقدر این کتاب شریفی است!

آنجا که سخن از سنگینی جرم است بال زدن نیست، فرمود «الله» نگه می‌دارد. اینجا که سخن از بال زدن و قبض و بسط و راهنمایی است، فرمود «الرحمن» نگه می‌دارد، چون «الرحمن» او را راهنمایی کرده است. در سوره مبارکه «نحل» آیه ۷۹ فرمود: ﴿أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوِّ السَّمَاءِ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ﴾، که اسم اعظم است، چون خصوصیت صغیر و دغیف آن مطرح نیست. اما اینجا که خصوصیت صغیر و دغیف مطرح است برای این است که هم اصل نگهداری‌اش به لطف الهی است هم کیفیت پرواز و رفتن از جایی به جایی صغیر و دغیف می‌خواهد و راهنمایی الرحمن است؛ لذا در آیه محل بحث فرمود اینها ﴿صَافَّاتٍ وَ يَقْبِضْنَ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ﴾. ما یادش دادیم چگونه بال بزن، چقدر بال بزند، چگونه این فشار هوا را پس بزن، راه باز کن؛ مثل اینکه به این شناگرها یاد می‌دهند که این طور بال بزنید که جلوی مانعتان را بردارید که بتوانید دو قدم جلوتر بروید. اینها اگر بال نزنند که نمی‌توانند جلوتر بروند. باید این مانع را بشکافند کنار بزنند این آب‌ها را کنار بزنند بتوانند جلوتر بروند. ما یادشان دادیم که چگونه این فشارهای هوا را و این هوا را پس بزنند راه باز بشود این هوایی که رفته عقب از پشت سر اینها را اسکورت بکنند فشار بدهند اینها را پروازشان بیشتر بشود، ما اینها را یادشان دادیم، در هر دو حال، «الرحمن» یادشان داد؛ لذا اینجا سخن از «الرحمن» است آنجا سخن از الله.

بعد به بت پرست‌ها می‌فرماید شما به چه چیزی می‌نازید؟ به این سنگ و گل می‌نازید که اینها را عبادت می‌کنید؟ از اینها که کاری ساخته نیست و اگر به وسایل مالی‌تان می‌نازید که ما کسانی که مقتدرتر از شما بودند را خاک کردیم. ﴿أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَّكُمْ﴾، این سنگ و گل، این بت‌ها اینها کاری انجام می‌دهند؟ ﴿مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ﴾. چون شما باید بدانید آنچه در جهان هست سربازان ماست. هیچ چیزی در عالم نیست مگر اینکه سپاه و ستاد الهی

است. هم ﴿مَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ﴾،^۵ هم ﴿لِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾،^۶ این قبلاً بارها به عرض شما رسید که فرض ندارد کسی به جنگ خدا برود، فرضی است محال، نه فرض محال! چرا؟ چرا این فرض محال است؟ کسی نمی تواند به جنگ دین برود، فرضی است محال، نه فرض محال است. یک وقت است می گوییم شما با چهار تا کلنگ که رفتی به جنگ قله دماوند اصلاً راحت نمی دهد، این فرض محال است. فرض آن مفروض محال است. یک وقت است می گوییم خود فرض محال است، چرا فرض محال است؟ برای اینکه طبق بیان نورانی حضرت امیر در نهج فرمود: «جَوَارِحُكُمْ جُنُودُهُ»؛^۷ تمام فکر و قلب و دستگاه و دست و پای شما سربازان الهی اند. سرباز خدا که نمی تواند به جنگ خدا برود. خدا اگر بخواهد کسی را بگیرد که از جای دیگر لشکرکشی نمی کند، با دست او او را می گیرد. حرفی می زند رسوا می شود، یک امضا می کند رسوا می شود، جایی می رود رسوا می شود، غذایی را می خورد رسوا می شود. این طور نیست که اگر خداست خواست کسی را بگیرد از جای دیگر لشکرکشی بکند، چون کل هستی این شخص سرباز خداست. فرمود: «جَوَارِحُكُمْ جُنُودُهُ... وَ خَلَوَاتُكُمْ عِيَانُهُ»، لذا جنگ با خدا فرضی است محال، نه مفروض محال است.

حالا این خدا فرمود که شما برهان مسئله را هم دیدید سوابق تاریخی را هم که مشاهده کردید، وقتی آنها را هم ببینید همین طور است. ﴿أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَّكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنَّ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي غُرُورٍ * أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ﴾؛ اگر خدا روزی را بگیرد چه کار می کنید؟! از بت ها کاری ساخته است؟! یا از خود شما کاری ساخته است؟! ﴿بَلْ لَجُّوا فِي عُتُوٍّ وَ نُفُورٍ﴾؛ اینها لجبازی می کنند در همان ضلالت و گمراهی دارند لجبازی می کنند.

۵. سوره مدثر، آیه ۳۱.

۲. سوره فتح، آیات ۴ و ۷.

۷. نهج البلاغة (للصبحي صالح)، خطبه ۱۹۹.

پاسخ: بله، چون غالباً فرمود: ﴿عَذَاباً مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ﴾، در سوره «انعام» خواندیم گاهی از بالا، گاهی از پایین. چون معمولاً ما الآن می‌خواهیم عبادت بکنیم از باب تشبیه معقول به محسوس سر را بالا می‌کنیم. گرچه به ما گفتند گاهی سر بالا گاهی سر پایین سجده همین طور است، رکوع همین طور است، تا معلوم بشود که ﴿إِنَّمَا تُؤَلُّوا فَمَنْ وَجْهَهُ لِلَّهِ﴾^۱ ولی طبع ما این است که از باب تشبیه معقول به محسوس وقتی خواستیم بزرگی را احترام بکنیم سر را بالا می‌بریم و حال اینکه قبل از خلقت سما ذات اقدس الهی این قدرت را داشت.

فرمود: ﴿بَلْ لَجُّوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ * أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ گاهی با برهان، گاهی با تمثیل، گاهی با قصه. آن قصه را فرمود اگر سفر کنید می‌بینید. برهان مسئله هم این است که کلّ جهان را او دارد اداره می‌کند. تمثیل هم این است که آن کسی که مستقیم دارد راه می‌رود او به مقصد می‌رسد یا اینکه افتان و خیزان و سرش به خاک است به خاک می‌رسد، اینکه به جایی نمی‌رسد. آن کسی که الهی فکر نمی‌کند سرش به خاک است که «أَعَاذَنَا اللَّهُ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا».

«و الحمد لله رب العالمین»